

بازتاب فرهنگ و ادبیات عامه، پهلوانی و جوانمردی در مولفه‌ها و مفاهیم ورزش زورخانه‌ای و باستانی

فیروز فتاحی ثانی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی (گرایش ادبیات پایداری)، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

fattahifiruz@gmail.com

مهیار علوی مقدم

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

m.alavi.m@hsu.ac.ir

عباس محمدیان

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

a.mohammadian@hsu.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش، بازتاب مولفه‌های فرهنگ و ادبیات عامه، پهلوانی و عیاری در ورزش زورخانه‌ای و باستانی ایران است. زورخانه‌ها از دیرباز، جایگاه پهلوانان، عیاران و جوانمردان بوده که در پرورش روح و جسم خود برای اهداف معنوی می‌کوشیدند و این مکان، گاه، محل بیان مسایل و نابسامانی‌های جامعه و رفع مشکلات مردم بوده است. مکتب پهلوانی و جوانمردی زورخانه‌ای، نمونه‌ی اعلای ادبیات عامه مردمی و جایگاهی برای ترویج اخلاق و سوق دادن افراد به سوی کنش‌های عیاری و پهلوانی با استفاده از ترویج فرهنگ دینی و ایرانی بوده است که توسط مرشدان با خواندن اشعار حماسی، تعلیمی و دینی ترویج داده می‌شد. پرورش اندام و آمادگی جسم و تن، فارغ از نبردهای مادی‌گرایانه برای رویارویی‌های غیرمادی و مبارزه با شیطان نفسانی از جمله اهداف ورزش و منش پهلوانی است. به همین علت، تاثیر فرهنگ و ادبیات عامه، پهلوانی و عیاری بر ورزش زورخانه‌ای از گذشته‌های دور، دیده می‌شود و با بررسی مولفه‌های این فرهنگ و ادبیات، به تاثیر آن در ورزش باستانی زورخانه‌ای پی می‌بریم؛ این مولفه‌ها عبارت‌اند از: سروده‌های پهلوانی و آیینی، موسیقی و سازها و ابزارهای موسیقایی، ساز و برگ‌ها و ابزارهای ورزش زورخانه‌ای، مفاهیم شیعی و شعایردینی، حرکت‌ها و تمرین‌های ورزشی و مکان‌ها و ساختارهای معماری زورخانه‌ای.

کلید واژه‌ها: فرهنگ و ادبیات عامه، ورزش زورخانه‌ای، پهلوانی، جوانمردی.

۱. مقدمه

در گذشته‌های نه چندان دور، زورخانه‌ها، ورزشگاه‌هایی با قابلیت ورزش جمعی همراه ضرب آهنگ مشخص در حوزه تمدنی ایران بود که در هر کوی و برزن صدای ضرب و زنگ مرشدانش گوش‌ها را نوازش می‌داد. ورزش‌هایی مانند گوی اندازی و چوگان، تیراندازی و اسب سواری نیز، در کنار ورزش‌های زورخانه‌ای و پهلوانی، مکان‌هایی مخصوص به خود داشت. ماهیت زورخانه با توجه به الگوپذیری‌های باستانی، عرفانی و اشراقی خود، بیش از آن‌که جنبه دنیوی داشته باشد، رنگ و بوی ماورایی و معنوی دارد. تاثیر فرهنگ و ادبیات عامه و پهلوانی بر ورزش زورخانه‌ای از گذشته‌های دور، غیرقابل انکار است. ورزش باستانی و پهلوانی به عنوان الگویی کامل، از منش عیاران و پهلوانان می‌تواند به عنوان مکتبی برای شناخت بهتر نوع دوستی، اخلاق‌مداری، معنویت و معرفت در میان جامعه شناخته و معرفی شود.

واژه «زورخانه» را نخستین بار مرحوم محمد معین در کتاب فرهنگ فارسی معین (رک: ذیل واژه زورخانه) به کار برده است. واژه «زور» ممکن است به معنی قوت و نیرو باشد و چه بسا با واژه «زو» به معنی آب مقدس که در خانقاه می‌نوشیدند ارتباط داشته باشد. اضافه شدن واژه خانه به واژه زور، شاید با ترکیب هفت‌خوان در شاهنامه در پیوند است؛ البته واژه خانه با واژه خوان در هفت‌خوان ارتباطی ندارد و ماهیت و معنای این دو واژه، اساساً با هم متفاوت است، اما، ترکیب شدن این دو واژه از لحاظ واژگانی و اضافه شدن واژه غیررزمی «خانه» به واژه رزم آورانه «زور» و ترکیب این دو، تداعی‌کننده مکان تمرین رزم و مشق آداب جنگاوری است. مکانی هم که در طومار پوریای ولی از آن یاد شده است با نام عبادت‌خانه که به نوعی مهم‌ترین ماخذ زورخانه‌های امروزی است، نیز همین قاعده را در بر دارد. گفتنی است زورخانه، در واقع محلی پنهانی برای آمادگی ایرانیان برای مبارزه بوده است. ایرانیان با گسترش زورخانه در سراسر ایران، نخستین کانون‌های استقلال‌طلبی را در پشت دیوارهای این مکان ورزشی به وجود آوردند.

۱-۱. تبیین موضوع و بیان مسئله

مؤلفه‌های ورزش باستانی و زورخانه‌ای که با فرهنگ و ادبیات عامه، پهلوانی و عیاری در پیوند هستند عبارتند از:

- سروده‌های پهلوانی و آیینی که یکی از مؤلفه‌های ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای، عناصر شنیداری و سروده‌های آن است و هرگز نمی‌توان آیین ورزش زورخانه‌ای را بدون سروده‌های حماسی و تهییج‌کننده آن در نظر گرفت؛

- موسیقی و سازها و ابزارهای موسیقایی: ضرب زورخانه‌ای و زنگ، از ابزارهای موسیقی زورخانه‌ای است. این سازوبرگ‌هایی موسیقایی، با هدف شورآفرینی در فضای ورزش زورخانه‌ای و ارتقای سطح پهلوانی و جوانمردی و مقاومت و پایداری در برابر سیاهی و تباهی به کار می‌رود؛

- ابزارهای ورزش زورخانه‌ای: هر کدام از ابزارهای زورخانه‌ای، نمادی از ابزار جنگی و مولفه‌های مهم در فرهنگ و ادبیات عامه و عیاری و مبارزه در برابر سیاهی هستند، مانند تخته شنو یا تخته شنا (نماد شمشیر)، میل (نماد گرز)، کباده (نماد تیر و کمان) و سنگ (نماد سپر)؛

- مفاهیم شیعی و شعایردینی: همواره ورزش زورخانه‌ای، با مذهب شیعه و شعایر آن همزاد و همراه بوده است. - حرکت‌ها و تمرین‌های ورزشی: این حرکت‌ها، علاوه بر تقویت جسم، نشان از رسیدن به ذات معنوی انسان و مفاهیم فرهنگ و ادبیات عامه، پهلوانی و عیاری دارد. شنو رفتن در زورخانه در تعبیر و معنای باطنی، غواصی در دریای معرفت الهی است؛

- مکان و معماری ورزش زورخانه‌ای: «سردم» مرشدان، «گود» و «سقف» زورخانه، از مکان‌های مهم و نمادین این بناست. سردم، بالاترین و مقدس‌ترین جایگاه زورخانه است و در فرهنگ جوانمردی و عیاری، جایگاهی درخور دارد که در کنار درب ورودی زورخانه و در مجاورت گود و نزدیک‌ترین محل به گود، جایگاه و سکوی نسبتاً مرتفع می‌باشد که جایگاه مرشد است و یکی از اماکن محوری و مقدس زورخانه به شمار می‌رود. گود، اصلی‌ترین مکان زورخانه است و سقف زورخانه، دارای مفاهیم نمادین در پیوند با مولفه‌های پهلوانی و عیاری و فرهنگ و ادبیات عامه و مردمی است.

در این پژوهش، می‌کوشیم این مولفه‌ها را در پیوند با فرهنگ و ادبیات عامه، پهلوانی و عیاری بکاویم و با رویکردی نماد شناختی، مفاهیم انسان دوستی، نوع دوستی، معرفت الهی، آزادگی، خردمندی، جوانمردی، استقلال خواهی و بزرگ منشی را که از عناصر جدایی ناپذیر این فرهنگ و ادبیات است در مولفه‌های ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای بررسی کنیم.

۲-۱. پیشینه تحقیق

انصاف‌پور (۱۳۵۳) در کتاب تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه‌رو، بنیادهای ورزش باستانی ایران و آداب و اصلاحات آن را بررسی کرده است. نجفی تهرانی و حجازی (۱۳۸۷) در کتاب ریتم‌های ورزشی، ریتم‌های ضرب زورخانه‌ای، به بررسی ریتم‌ها و آوانویسی زورخانه‌ای پرداخته است. هاشمی (۱۳۹۵) در کتاب زورخانه نماد ایران زمین به تحلیل حرکات ورزش زورخانه‌ای و نقش این حرکات در سلامت جسم و روح و سلامت جامعه پرداخته است. آقایاری (۱۳۹۶) در کتاب آیین پهلوانی و سنت زورخانه‌ای به قدمت و اصالت ورزش زورخانه‌ای در تاریخ ایران پرداخته است و توضیحات کاملی در باره ساختمان زورخانه، ادوات، نحوه ورزش کردن، سنت‌ها و نقش مرشد در این ورزش ارائه داده است. اژدری‌خواه (۱۳۹۷) در کتاب دو میراث جاودان زورخانه و نمایش پهلوانی به نقش اساسی زورخانه‌ها در جوامع گذشته پرداخته است و زورخانه را سرمایه و میراث ایران از گذشته دور تا حال می‌داند. او معتقد است زورخانه می‌تواند نماد فرهنگی و هویتی ورزش ایران باشد. گودرزی (۱۳۸۳) در مقاله «سیر تطور ورزش باستانی و زورخانه در ایران» به تاریخ و نحوه

شکل‌گیری زورخانه‌ها و تحول زورخانه‌ها به عنوان نهادی اجتماعی و سیاسی پرداخته است. رضانی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله «مقایسه صفات اصلی پهلوانی در شاهنامه»، به بررسی برخی ویژگی‌های فرهنگ تربیت بدنی و ورزش ایران باستان در شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند؛ یافته‌ها نشان می‌دهد که تربیت بدنی و ورزش در فرهنگ ایران از گسترش و غنای زیادی برخوردار بوده است و می‌توان برخی صفات، نمادها و رفتارهای مثبت این فرهنگ را در تربیت ورزشی به کار گرفت. حیدری و دولت‌شاه (۱۳۹۱) در مقاله «جلوه‌های تصوف، فتوت و مذهب تشیع در ورزش باستانی و زورخانه‌های ایران»، در مورد سرچشمه‌های ورزش زورخانه‌ای و باستانی ایران بحث کرده‌اند و آیین‌های پیش از اسلام و بعد از اسلام را مورد بررسی قرار داده‌اند. جعفرپور و علوی مقدم (۱۳۹۲) در مقاله «مضمون عیاری و جوانمردی و آموزه‌های تعلیمی - القایی آن، در حماسه‌های منشور» به روشنگری و بازنمایی ارتباط تنگاتنگ و کهن عیاری و جوانمردی با متون حماسی و نمایاندن آموزه‌های تعلیمی - القایی پرداخته‌اند که گامی نو و جهت‌ساز، جهت خاستگاه اولیه و ایرانی عیاری را آشکار می‌سازد. ذوالفقاری و باقری (۱۳۹۲) در مقاله «مهم‌ترین ویژگی‌های افسانه‌های پهلوانی ایرانی» به بررسی انواع افسانه‌ها و توضیح در مورد افسانه‌های پهلوانی پرداخته‌اند و ویژگی‌های افسانه‌های پهلوانی را توضیح داده‌اند. جوادیان و مشکانی (۱۳۹۴) در مقاله «نقش عبدالرزاق و آیین پهلوانی در ظلم‌ستیزی و پیروزی نهضت سربداران» به بررسی نقش پهلوان عبدالرزاق در پیدایش و ظهور نهضت سربداران و نقش آیین پهلوانی در پیروزی این نهضت پرداخته‌اند. در این مقاله به نقش مردم سزوار و علمای شیعه‌مذهب نیز پرداخته شده است. یاسینی (۱۳۹۴) در مقاله «کارکردهای تربیتی و فرهنگی آیین‌های زورخانه»، به نگرش آیینی در جامعه و فرهنگ آن پرداخته و به اجرای آیین‌های زورخانه‌ای در زورخانه اشاره کرده و این مکان را صرفاً از یک محیط ورزشی فراتر برده و کارکردهای فرهنگی و تربیتی موثری به آن بخشیده است. صادقی‌منش و علوی مقدم (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل کارکرد نمادین غار در کیش میترائیسم بر بنیاد دیدگاه‌های میرچا الیاده» به کهن‌ترین کیش ایرانی و نمادهای اسطوره‌ای پرداخته‌اند. این مقاله، از حیث شباهت‌های اسطوره‌ای نماد غار و گود زورخانه‌ای بسیار درخور توجه است. در این پژوهش تلاش شده است کارکرد نماد غار بر بنیاد دیدگاه الیاده و کارکرد این نماد در کیش میترائیسم بررسی شود. باصولی (۱۴۰۰) در مقاله «نگاه منظرین به زورخانه»، دلایل ایجاد و کارکردهای آن را در تاریخ تشکیل زورخانه و نمادهای موجود در آن را به عنوان یک منظر فرهنگی منحصر به فرد معرفی کرده است. فتحی (۱۴۰۰) در مقاله «ادب پهلوانی و کاربرد آن در آموزش تاریخ (بررسی موردی سه متن ادب پهلوانی)» بیان می‌کند که متن‌های ادب پهلوانی به دلیل ماهیت ساده، صریح و جذابیت‌های شنیداری، می‌تواند در تعمیق آموخته‌های تاریخی و علاقه‌مندی فراگیران به درس تاریخ موثر باشد. کرین (۱۳۸۸) در کتاب آیین جوانمردی، به پیوند مفاهیم عیاری و جوانمردی با ورزش‌های زورخانه‌ای و پهلوانی اشاره کرده است.

این پژوهش‌ها، نقش به‌سزایی در ارتقای جایگاه پژوهش درحوزه فرهنگ پهلوانی و سلحشوری دارند و خوانندگان را با این‌گونه مباحث، هرچه بیشتر آشنا می‌کنند اما هیچ‌یک به بازتاب مؤلفه‌های فرهنگ، اندیشه و

ادبیات پایداری، پهلوانی، عیاری و سلحشوری در ورزش‌های زورخانه‌ای و پهلوانی و پیوند این فرهنگ و اندیشه با هویت ایرانی و با این‌گونه ورزش‌ها نپرداخته‌اند و این‌خلا پژوهشی، نگارندگان را به انجام این تحقیق واداشت.

۳-۱. روش و پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش، روش گردآوری اطلاعات از نوع روش کتابخانه‌ای و میدانی، روش تحلیل داده‌ها به صورت روش کیفی و روش استدلالی از نوع روش استقرایی (از جزء به کل) است. بخش عمده‌ای از روش گردآوری اطلاعات، توسط پژوهشگران و با پرسش و تحقیق از اهل فن، زورخانه‌ها و خاطرات نوشتاری و یا گفتاری مرشدان و پهلوانان و ورزشکاران ورزش‌های پهلوانی در ایران، خراسان و به ویژه در سبزوار بوده است. در این پژوهش می‌کوشیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: ساز و برگ‌های زورخانه‌ای، ابزارهای موسیقایی، حرکات پهلوانان، معماری زورخانه‌ها، سروده‌های دینی و آیینی و دیگر مولفه‌های ورزش زورخانه‌ای، بیانگر چه نمادهای جوانمردی و عناصر برآمده از فرهنگ و ادبیات عامه و پهلوانی است؟ اشعار حماسی و مفاهیم پهلوانی و جوانمردی در میان مرشدان و پهلوانان زورخانه‌ها چه جایگاهی دارد؟

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. گذری بر پیشینه تاریخی ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی

برخی از پیشکسوتان معتقدند که پیدایش زورخانه‌ها به دوران مغول برمی‌گردد و برخی نیز معتقدند پیشینه این واژه، به دوره صفویه باز می‌گردد ولی بی‌گمان، پیشینه‌ای آن بسی کهن‌تر است و منشأ زورخانه و ساختار آن، برگرفته از آیین مهر است. یکی از روایاتی که در پنجاه سال اخیر توسط برخی صاحب‌نظران ارائه شده، شکل‌گیری زورخانه و ورزش باستانی براساس مفاهیم آیین مهر است. برخی، قدمت زورخانه را در ایران به بیش از سه هزار سال می‌دانند. قدمت و منشأ ورزش باستانی ایران، چنان‌که از نام آن پیداست، به دوران پیش از اسلام بازمی‌گردد. این ورزش از تفکرات دینی پیش از اسلام (آیین مهری و دین زردشتی) تأثیرات فراوانی گرفته و بسیاری از باورها و مناسک آن ادیان در این ورزش نمایان شده است. هویت پهلوانی و جوانمردی از گذشته در میان ایرانیان وجود داشته و منشأ آن را باید در آیین مهر جستجو کرد. ساختمان زورخانه و آداب و رسوم آن به دلایل زیاد، شبیه و نزدیک به آداب و رسوم مهری است و این آداب و رسوم، توسط زورخانه‌کاران رعایت شده است (ر.ک: باصولی، ۱۴۰۰: ۳-۴). در فرایند هویت‌یابی ورزش باستانی، عوامل ملی، مذهبی، پهلوانی و حماسی نقش قابل ملاحظه‌ای دارند. برای مثال، شعار عیاران مشخص‌کننده برجستگی هویت عیاری آن‌هاست: «من مردی نداشتم، فقیر و عیار پیشهام، اگر نانی یابم بخورم و اگر نه، خدمت عیاری جوانمردی کنم و اگر کاری کنم، از برای نامی کنم و نه نان» (کربن، ۱۳۸۸: ۲۴).

زورخانه به عنوان نهادی مردمی و با خاستگاهی سیاسی و با رویکردی ملی و مذهبی پس از حمله مغول ظهور پیدا می‌کند. پیدایش نام زورخانه به دوران مغول بازمی‌گردد و در عصر صفویه به اوج خود می‌رسد و قیام سرداران و حتی صفویه تحت تأثیر زورخانه است. هدف از شکل‌گیری زورخانه‌ها در دوره مغولان، این بود که مردم بتوانند از راه تمرین و ورزش، تندرستی و قدرت و توانایی از دست رفته را به دست آورند. بنابراین، ایجاد زورخانه، نتیجه فکر و اندیشه حکیمان و اندیشمندان جامعه ایرانی در این دوره بوده است. در نقاط دورافتاده و در زیرزمین‌های پنهان، مراکز مقدسی به وجود آمد به طوری که صفحات تاریخ نشان می‌دهد، نخستین کسی که طرح زورخانه را به سبکی که هنوز هم باقی است بنا نهاد، پهلوان «پوریای ولی» در نیمه سده هفتم است. این دوران، با گسترش صوفی‌گری در ایران همزمان است، همان گونه که صوفیان در خانقاه و معابد با تزکیه، نفس خود را برای مقابله با دشمن بیرونی (نفس) آماده می‌کرده‌اند و پهلوانان نیز در زورخانه‌ها با تقویت قوای جسمانی آماده مبارزه با دشمن بیرونی و درونی می‌شدند.

از جمله نشانه‌های نفوذ تصوف در ورزش باستانی، شباهت تکیه‌ها و خانقاه‌ها به زورخانه است. علت وجود مردم در زورخانه به زمان رواج تصوف، بازمی‌گردد. برخی نیز بر این باورند که مرشد با نشستن در چنین جایی می‌توانست به راحتی رسم تشریفات و تعارفات زورخانه را در حق وارد و خارج شوندگان ادا کند. «حکمت ساختن سقف گنبدی و پنجره شیشه در بالاترین نقطه آن، توجه ورزشکاران از قعر گود به آسمان بی‌پایان و تجسمی از وجود ذات بی‌نهایت باری تعالی است که تمام اعمال و حرکات ورزشکاران در داخل گود و زیر سقف زورخانه انجام می‌شود» (باصولی، ۱۴۰۰: ۵).

۲-۲. آشنایی با معماری، ابزارهای ورزشی، سروده‌ها و ساز و برگ موسیقایی و حرکت‌های فیزیکی

ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی

ارتباطی که یک مکان با انسان و جامعه پیدا می‌کند، می‌تواند به آن هویتی منظرین بدهد تا بتوان مکان را تفسیر کرد. زورخانه به عنوان اثر فرهنگی، زمانی به درستی و جامعیت قابل فهم است که علاوه بر آنچه از دیدگاه علم امروز بدان نگریسته می‌شود، فراتر رفته، در ساحت فکری و تمدنی که از آن برآمده است، سنجیده و تحلیل شود. برخی از کارکردهای زورخانه عبارتند از:

- **ترویج آیین‌های مذهبی:** زورخانه‌ها مکانی مقدس و آیینی برای مذاهب شیعه بوده است؛ محلی برای اجرای آیین‌های مذهبی و ورزشی آمیخته با اشعار مذهبی و همراه با رفتارهای جوانمردانه می‌باشد.
- **ترویج حس ملی‌گرایی:** زورخانه به عنوان یک نهاد اجتماعی جهت تقویت روحیه ملی و مذهبی مردم و انتقال فرهنگ اساطیری و حماسی ایران در جامعه مطرح بوده است؛
- **برابری و مساوات اجتماعی بین مردم:** در زورخانه، ثروت و موقعیت اجتماعی در نظر نمی‌آید و تنها مقام کسوت ورزش، پارسایی و پرهیزکاری است؛

- مکانی برای اجتماع افراد فرادست و فرودست جامعه: زورخانه، محلی است که برای اجتماع تمام افراد جامعه- فرادستان و فرودستان جامعه- و اتحاد و یکپارچگی جامعه، به ویژه افراد متدین جامعه؛
- گسترش فرهنگ انسان دوستی، نوع دوستی و کمک به دیگران: اساس آیین زورخانه در تربیت جسم و روح فرد، بر اصل انسان دوستی و کمک به دیگران استوار شده است؛
- آموزش و فرهنگ سازی: زورخانه، صرف نظر از یک مکان ورزشی، به آموزشگاهی برای ارائه تعلیمات والای اخلاقی و دینی و معرفی الگوهای وارسته آن تبدیل شده است؛
- ترویج روحیه جوانمردی در جامعه: فروتنی و جوانمردی نه تنها در فعالیت‌های ورزشی و در گود زورخانه، که از این مکان، به جامعه راه می‌یابد و تأثیرات مثبتی بر جای می‌گذارد؛
- مکان برگزاری مراسم اجتماعی: از دیرباز، برگزاری برخی مراسم مانند گلریزان و سوردادن در زورخانه‌ها به مناسبت‌های مختلف در قدیم معمول بوده است؛
- مکان پرورش روح و روان: در جامعه سنتی ایران، زورخانه، جایگاهی مقدس برای پرورش تن و اندام و نیرومند کردن و پرورش روح و روان بوده است.
- مکان سرگرمی و گذران اوقات فراغت: یکی از کارکردهای مهم زورخانه در گذشته، مکانی برای گذران اوقات فراغت افراد مختلف جامعه بوده است (رک: باصولی، ۱۴۰۰: ۹-۶).

۳. تحلیل داده‌ها: بازتاب فرهنگ و ادبیات عامه و عیاری در مفاهیم و مولفه‌های ورزش زورخانه ای

۳-۱. مکان و ساختار معماری ورزش زورخانه‌ای و پهلوانی

بازمانده معماری‌ها و پرستشگاه‌های مهری در ایران و اروپا به این نکته دلالت دارد که این پرستشگاه‌ها عموماً در مجاورت سرچشمه‌های جاری آب بنا می‌شده است. از این رو، عموماً زورخانه‌ها در سرداب‌ها و نقاطی که فاصله زیادی با سطح زمین داشت بنا می‌گردید. این تصویر از بنا به سبب تقدس و تعظیم آب و روشنایی، شاید به طور ناخودآگاه، به سمت تبدیل حمام‌های کهن به زورخانه راه پیدا کرد، به طوری که براساس برخی از منابع تاریخی، در ادوار گذشته تا پایان دوره قاجاریه، کمتر بنایی با نیت زورخانه احداث شد و عموماً حمام‌های کهن و گاه کاروانسراهای بیکارمانده تبدیل به زورخانه می‌شدند. حسین پرتو بیضایی کاشانی (۱۳۸۲: ۱۶)، در کتاب تاریخ ورزش باستانی ایران می‌نویسد:

در ولایات قدیمی از قبیل اصفهان، کاشان، قم و ... زورخانه‌های وقفی هم وجود دارد که در مجاورت ابنیه خیریه دیگر ساخته شده است. نکته جالب این است که، پیشینیان ما تا چه اندازه برای این ورزش قداست و اهمیت قائل بوده‌اند که در کنار ابنیه وقفی برای شهر، مثل مسجد و حسینیه و ... زورخانه را وقف می‌کرده‌اند.

از ویژگی‌های خاص معماری زورخانه، وجود در ورودی کوتاه آن است به طوری که برای ورود به آن باید کاملاً خم شد. وجود این در کوتاه را می‌توان تذکری دانست برای نوچه‌ها و ورزشکاران جوان که افتادگی را از یاد نبرند و مبادا کبر و غرور دامن‌گیرشان شود.

زورخانه‌های قدیمی شبیه مخفیگاه و در زیرزمین (مانند مکان ذکر شده در طومار پوریای ولی) و یا بعضاً با پله‌های رو به پایین و دالان مانند شبیه غار و با سقف‌های بلند گنبدی شکل و دریچه‌ای کم نور بوده‌اند. در تحقیقات متأخر، وجه تشابه زیادی بین زورخانه و معبد‌های آیین مهری به دست آمده است. این معبد‌ها از غارهای مهرکیشان ریشه می‌گیرند. برای رسیدن به مفاهیم حقیقت باید همچون غارها به عمق دست یافت و درون‌گرایی و تفکر (درون‌اندیشی) را در پیش گرفت.

در ساختار معماری زورخانه، گود، نقش به سزایی دارد و جایگاه اصلی ورزش و مهم‌ترین بخش زورخانه است. گود محلی است در زورخانه مانند حوض ۶ ضلعی و ۸ ضلعی و یا مدور. شش گوشه بودن گود زورخانه نشانه‌ای از خاک شدن و به خاک رفتن و فنا شدن در پیشگاه معبود و نمادی از فناء فی الله است. برای این مقصود به برخی از آیات پروردگار نیز تمسک جستند؛ مثل آیه ۵۵ سوره طه: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (ما شما را از این خاک آفریدیم و به این خاک باز می‌گردانیم و بار دیگر از این خاک بیرون می‌آوریم). همین باورها سبب شده تا در سنت پهلوانی، پهلوانان پیش از شروع کشتی و هنگام فروکوبیدن، به خاک می‌افتند و به چهار جهت سجده می‌کنند.

در نگرش اسلامی، گود را نمادی از قتل‌گاه امام سوم برشمرده‌اند تا همیشه نصب العین پهلوانان باشد. اما عمده دلیل قداست گود که در نفس آن نهفته، آن است که گود زورخانه محل دم زدن و عرق ریختن جوانمردانی است که ورزش کردن و تربیت جسم را برای مقاصد عالی و دینی و خدمت به خلق خدا می‌خواسته‌اند. گود زورخانه محل تربیت نفوس و پرورش شعور و احساسات عالی انسانی است. «چه بسیار جوانمردانی که از ابتدای ورزش با وضو وارد گود شده و با نام امام علی (ع) ابزارهای ورزش را در دست گرفته و با اشعار عرفانی و روحانی مرشد گریسته و ورزش کرده‌اند» (آقایاری، ۱۳۹۶: ۱۱۹). ضمن آن که گود در جایی بنا می‌شود که از هر نقطه، حضار، دید کافی و برابری داشته باشند، درست به مانند ساختار معماری نمایش نامه‌های یونانی و نیز مکان تعزیه خوانی و شبیه خوانی در مراسم سوگواری عاشورا. گود زورخانه سبب می‌شود نوعی در کنار هم بودن را برای حضور بهتر در اجتماع درک کنیم

گود، تداعی کننده‌ی مهرابه‌های باستانی است. در گذشته منفذ و پنجره‌ای بزرگ در سقف زورخانه می‌ساخته‌اند که ورزشکاران به آن نگاه می‌کردند. این موضوع، ویژه آیین مهری است و دین‌باوران با این روش، با خدای خود توسل و تمسک می‌جسته‌اند. از این پنجره و منفذ، نوری به داخل زورخانه می‌تابیده است که مظهری از نور وجه الله انگاشته می‌شده است (ر.ک: اژدری‌خواه، ۱۳۹۷: ۷۴). در باره سردم به عنوان یکی از مکان‌های بنیادین در ساختار معماری زورخانه‌ها در جستار ۳-۳ (الف) به تفصیل بحث خواهد شد.

۲-۳. ابزارهای ورزش زورخانه ای و حرکت های فیزیکی

الف. شنا (شنو)

حرکت ورزشی شنو، یکی از جالبترین حرکت‌های ورزش زورخانه‌ای است. شنو، نماد مرگ و زندگی دوباره انسان است. شنو، نماد به خاک افتادن و تواضع در مقابل مبدا حقیقت می‌باشد. حرکت شنو به نوعی، به شنا در اعماق آب هماننداست. روندگی و جویندگی نمادین شنو رفتن در گود زورخانه و حرکت‌های پیچ و واپیچ شنوگر، اندیشه‌های عرفانی و جست‌وجو، گرد دریای کنکاش و حقیقت طلبی را تداعی می‌کند (نک. ازدری‌خواه، ۱۳۹۷: ۱۰۹).

تعبیری زیبا از میرنجات در مورد شنو:

جلوه موج خوش و آب حیات است بین

در شنا آن بت شیرین حرکات است بین

o

یار ما مزرع نو را به شنو کرده درو

عالم آب بود قصه‌ای از نو بشنو

(میرنجات، ر.ک: ازدری‌خواه: ۱۳۹۷: ۱۹۷)

o

ب. میل

یکی از ابزارهای ورزش زورخانه ای، «میل» است که نمادی از گرز و مخروطی استوانه‌ای می‌باشد. نحوه ورزش میل و نگه داشتن میل، تداعی کننده جنگ پهلوان با گرز در میدان رزم است. گرز در اساطیر ایران زمین بارها مورد استفاده قرار گرفته است. گرز، نماد آذربانان و موبدان است که در نبرد با اهریمنان هستند. در اوستا آمده است که گرز میترا از جهت سرکوبی اهریمن، گرامی و قدسی شناخته شده است. «میل رفتن همان تمرین رزم کردن است. میل نماد گرز سنگین است که پهلوانان اساطیر با آن به جنگ دشمن می‌شتافتند» (ازدری‌خواه، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

دربخشی افسانه‌های حماسی مانند حسین‌کرد و سمک عیار و ابومسلم‌نامه آمده است که پهلوانان در میدان جنگ، برای ایجاد رعب و وحشت در دل سربازان دشمن، گرزهای صد منی خود را با قدرت به هوا پرتاب می‌کردند و چون گرز چرخ‌زان به زمین نزدیک می‌شد، به سرعت از جای خود می‌جهیدند و در هوا گرز را می‌ربودند و بر سپر دشمن فرود می‌آوردند. این افسانه‌ها سندی دقیق است که ثابت می‌کند میل‌بازی در زورخانه، تقلیدی نمایشی از همان حرکات‌های جسورانه پهلوانی (ر.ک: آقایی، ۱۳۹۶: ۱۹۹-۱۹۷) و بازتابنده فرهنگ و ادبیات پهلوانی و جوانمردی و آیین‌های مردمی و عامه است.



تصویر ۱. میل های زورخانه

پ. کباده

ساختمان کباده، به شکل کمان جنگی است. یکی از زیباترین، مهیج‌ترین و دل‌انگیزترین حرکات در زورخانه، کباده زدن است. واژه کباده یعنی کمان سخت و مشقی و صدای کباده با خوردن زنجیر به صفحات فلزی که با ریتم خاصی انجام می‌شود و در کنار ضرب مرشد، یک سمفونی رزمی را مجسم می‌نماید. مورخان سده های ششم و هفتم از سنگ و کباده نوشته اند و علی القاعده باید پیش از آن هم رواج داشت (هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۴۳).

اوحدی مراغه ای در بیتی می‌سراید:

چاک چاک کباده مردان زور سنگ و مخیر گردان

o

(اوحدی مراغه ای، رک: هاشمی، ۱۳۹۵:

۱۴۴)

کباده، پیشینه ای کهن دارد و در روزگار قدیم، آن را از استخوان و سنگ می‌ساختند و برای استحکام سطح آن از روغن خاصی به نام روغن کمان استفاده می‌کردند (نک. هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۴۴). همان‌طور که از شمایل و شکل ظاهری کباده هم پیداست، شباهت بسیاری بین کباده و کمان است. کباده‌زدن، در فرهنگ و اساطیر ایران ریشه دارد و با فرهنگ و ادبیات پهلوانی و جوانمردی و باور عامه مردم ارتباطی تنگاتنگ داشته است. کباده، تمرین کمانگیری، رزم و میدان نبرد، تسلط برای رسیدن به مقصد و هدف است و نماد کمان‌گیری، آرش، پهلوان بزرگ ایران‌زمین است که برای دفاع از مرزهای زادبوم، جان خود را در چله کمان کرد و به قلب آسمان زد (نک. اژدری‌خواه، ۱۳۹۷: ۱۰۸). او مظهر پهلوانی، جوانمردی، انسان دوستی، استقلال خواهی و مردم‌مداری است.



تصویر ۲. کباده

ت. سنگ

می توان سنگ را نمادی از سپرهای جنگی سنگین وزن و نمادی از در قلعه خیبر دانسته اند که به دست امام علی (ع) از جا کنده شد؛ عده ای سنگ را نماد سنگ کعبه می دانند که ابراهیم خلیل، آن سنگ را از کوه سینا و لبنان و کوه حرا به مکه برد و آن سنگ ها را بلند می کرد (ر.ک: حیدری و دولت شاه، ۱۳۹۱: ۱۴). در منابع ورزش پهلوانی و منابع فتوت و جوانمردی، آمده است که سنگ گرفتن از ابراهیم خلیل الله به یادگار مانده است و اولین بار در زورخانه، پهلوان شیردل تبریزی سنگ گرفتن را رواج داده است. این پهلوان، کهنه سوار و استاد پوریای ولی بوده است (ر.ک: آقایاری، ۱۳۹۶: ۱۷۵۳-۱۷۳).

سنگ ابزار ورزشی است شبیه سپرهای جنگی که در قدیم، جنگاوران به دست می گرفته اند. سنگ زدن، حرکتی است برای کسب آمادگی و تحمل دشواری های میدان نبرد، ورزش کاران با سنگ گرفتن تمرین این را می کنند که در برابر هر سختی و سنگینی فتح الفتوحی هست و می توان با ایمان و تقوا و تقویت جسم بر مشکلات پیروز شد.



تصویر ۳. سنگ

ث. چرخ زدن

نقطه زیبا و جلوه‌گاه متعالی حرکتهای ورزش زورخانه‌ای، چرخیدن است. از اعمال مشهور زورخانه‌ها، که یادآور سماع اهل تصوف است، چرخ زدن و چرخیدن است. چرخ زدن از سویی، متأثر از آیین تصوف و بنا به روایتی یادگاری از باورهای تشیع است. افراد چرخ زن به درویشان چرخ زن شبیه اند و چرخ زدن و سماع صوفیان برای آن است تا خود را لگدکوب کنند. در واقع، چرخ زدن نوعی تمرین سماع برای رسیدن به معبود است مانند حرکت پروانه گرداگرد شمع و مرید گرداگرد مراد خود؛ آن قدر می‌چرخد که دنیا و مافیها را فراموش می‌کند و سرمست معشوق می‌شود.

چرخ زدن در زورخانه‌ها از تمرینات جنگی به حساب می‌آمده است. حتی گاهی در جنگ‌ها برای دفع دشمن، از چرخیدن به شیوه پهلوانان زورخانه استفاده می‌شده است. چرخ زدن از کوچکترها آغاز می‌شد و به بزرگ‌ترها پایان می‌یافت. به همین دلیل، موقع چرخ زدن پهلوانان با التماس از دیگری می‌خواهند که اجازه دهند تا آن‌ها بچرخند. درحقیقت آن‌ها با این کار می‌خواهند با کنایه کوچک بودن خود و بزرگ بودن دیگری را اثبات کنند. اهل زورخانه، چرخیدن را به حضرت علی (ع) منسوب می‌کنند: «اگر گویند جهنگی از که ماند؟ بگو از شاه ولایت که روز حرب خیبر دامن به میان زد و از خندق چنبر گذشت» (حیدری و دولت‌شاه، ۱۳۹۱: ۱۴). چرخ در آیین و ورزش زورخانه در یک دگردیسی تاریخی/روحانی تبدیل به مناسک بدن سازی، عرفانی و جلوه‌گرانه شده است. شیرین کاری در چرخ، تبلور و اوج سرمستی و کشف و شهود و ظرافت و لطافت غواصان معرفت و حکمت و طریقت در لباس زورخانه‌ای است.

زورخانه و تمامی حرکات و مناسبات موجود در آن، زاده و پرورش یافته مطالبه‌های اشراقی، حماسی و عرفانی ایرانیان است که در شکل حماسی، هنری و ورزشی متبلور شده است. این بازبینی ریشه یابی و مطالبه از نشانه‌ها و جستارهای اعماق تاریخ کهن و باستانی به غیر از ورزش زورخانه‌ای، در آثار بسیاری از بزرگان و شاعران و انسان‌های حقیقت‌جوی ایرانی در سده‌های پس از اسلام به فراوانی به چشم می‌خورد و این غواصی معرفت‌جویانه، پیدایش آیین زورخانه‌ای و مناسبات وابسته به آن را به خوبی نشان می‌دهد.

به این ترتیب، چرخ زورخانه، نماد رزم آورانه سماع و پایکوبی صوفیانه است که عارفان و سالکان وادی عشق را در مسیر عاشقی همراهی می‌کند. براین اساس، شعرهایی از این دست، توسط مرشدان در زورخانه‌ها خوانده می‌شود:

تا به خلوت‌گه خورشید رسی چرخ زنان

کمتر از ذره نی پست مشو مهر بورز

o

o

(حافظ، بی تا: ۳۸۹)

o

o

o

۳-۳. عناصر مرشدی، سروده‌های زورخانه‌ای و ابزارهای موسیقایی

در دوران ضد موسیقی ناشی از استیلای اعراب بر ایران، با پایداری مردم و تداوم اجرای موسیقی در سردم‌های زورخانه، موسیقی ایرانی زنده مانده است. ریتم‌ها در موسیقی بومی و زورخانه‌ای، در خدمت مضامین گوناگون رزمی، بزمی، عاشقانه و مضامین دیگری قرار دارد که بازتاب نگرش آزادگی، جوانمردی، مردم‌مداری، انسان‌دوستی و باورهای عامیانه است. زنگ، در سردم و به دست مرشد، از ارکان اجرای ورزش زورخانه‌ای و باستانی است. زنگ یکی از ارکان و ادوات موسیقی زورخانه است که به موسیقی این ورزش، غنای بیشتری می‌بخشد و آن‌را دلنشین‌تر می‌کند. گذشته از این، ورزش زورخانه‌ای، ورزش سنگینی است و اگر همراهی موسیقی ضرب و زنگ و آواز مرشد با ورزشکاران نبود، تحمل این ورزش به شدت دشوار می‌شد. مرشدان از زنگ برای اعلام تغییر حرکت ورزش و اطلاع ورزشکاران استفاده می‌کنند. زنگ، مراتبی دارد و در فرهنگ زورخانه‌ها برای اعطای امتیاز ورزشی از چند شیوه خاص استفاده می‌شود که مبنای کاملاً ایرانی و مذهبی دارد. زنگ در وهله نخست، متعلق به پهلوان است. با انجام هر حرکت و ورود و خروج پهلوان به گود به رسم ادب برای پهلوان زنگ نواخته و صلوات فرستاده می‌شود.

الف. سردم

سردم جایگاه مقدسی است و هیچ‌کس جز مرشد و کهنه سوار حق جلوس بر آن را ندارد. مرشد با خواندن اشعار حماسی، عرفانی و مذهبی، ورزشکاران را به ورزش، ترغیب و تهیج می‌کند. سردم، تقلیدی از خانقاه است و در سابق نیز هنگام ماه رمضان، شب‌ها، سردم را در قهوه‌خانه‌ها بنا می‌کردند و مرشدی با صدای خوش اشعاری در بحر طویل قرائت می‌کرد (ر.ک: عباسی، ۱۳۷۴: ۱۲۴-۱۲۵).

مرشد که همواره هدایت و نظارت بر ورزش را بر عهده دارد و اساساً ورزش با اجازه و ارشاد او پیش رفته و اداره می‌شود، در جایگاه سردم می‌نشیند و ضمن این‌که با ضرب حماسی و خواندن اشعار مناسب به ورزش، شور و دل‌انگیزی می‌بخشد و به اعمال زورخانه‌ای، نظارت دقیق دارد. ضرورت نظارت ایجاب می‌کند سردم در نزدیک‌ترین نقطه به گود زورخانه قرارگیرد. در پیشانی جایگاه سردم، طاق‌نمایی به شکل محراب ساخته می‌شود. این طاق‌نما، با ساختار معماری دینی و آیینی خود، محل آویختن زنگی است که از ارکان اجرای ورزش باستانی است و با اشیا و ادوات مناسبی تزیین می‌شود.

درباره پیدایش سردم، تا پیش از عصر صفویه، هیچ مدرک و نشانی در دست نیست. بدون شک این آیین در عصر صفوی پدید آمد و به آیین فقری و سلسله‌های درویشی مربوط است. اصل سنت سردم بندی، از برساخته های دراویش خاکسار است و از آن جایی که طبقه پهلوانان به واسطه ریشه‌های تصوّفی خود و همین‌طور توسط برخی از سرکردگان ورزش پهلوانی، مثل پوریای ولی، خود را منسوب به این سلسله می‌دانستند و از طرفی جزو سلاسل وابسته به فقر به حساب می‌آمدند، از این رو، تعلیم دهندگان زورخانه را که وظیفه اداره زورخانه و

ضرب گیری و تهیج روحیه ورزشکاران را بر عهده داشتند و بی شباهت به سخنوران و مرشدان متصوفه نبودند، مرشد می خواندند و برای رسمیت دادن به جایگاه آنها، سردمی در زورخانه برپا داشتند و به حضور آنها رسمیت بخشیدند. از آنجایی که سردم در عرف و باورهای عامه مردم، مکانی مقدس شمرده می شد و دایر ننگ داشتن چراغ آن را لازم می دانستند، همان گونه که به سردم سقایان و مرشدان کمک نقدی می کردند و آن را «چراغ سردم» می نامیدند و تدریجاً اسم پول را «چراغ» نامیدند و سنت «چراغ گرفتن» در معرکه های درویشان و قوالان و نقالان مرسوم شد، در زورخانه ها نیز کمکی را که مردم، برای روشن نگه داشتن چراغ زورخانه و جبران زحمات مرشد پرداخت می کردند، «چراغ» می گفتند. معمولاً در پایان ورزش زورخانه ای، میانداران دعا می کردند و برای مرشد و خدمتکار زورخانه «چراغ» می گرفتند (ر.ک: آقایاری، ۱۳۹۶: ۱۲۹-۱۲۳). تعبیر «چراغ اول» را روشن کردن «از همین جا سرچشمه گرفته شده است.

البته برخی از پژوهشگران بر این باورند که ترکیب دو واژه «سر» و «دم»، تداعی کننده مکانی است که مرشدان بر آن می نشینند و ضرب و زنگ حماسه پروری سر می دهند. استفاده از واژه دم، به دوران پیش از اسلام برمی گردد که پادشاهان ساسانی و موبدان زردشتی، پیش از شرکت در جنگ ها و بعد از بازگشت از میدان جنگ در مقابل آتشکده ها می ایستادند؛ پس از اجرای مراسم و خواندن دعایی، از دم مقدس نیرو می گرفتند. دم مقدس در واقع همان دم اهورا مزداست که در نوشته های کهن بارها از او یاد شده است. چنان چه در روایت آرش کمانگیر می بینیم که اهورا مزدا با دم ایزدی خود تیر آرش را به پرواز در می آورد.

ب. مرشد

مرشد یکی از شخصیت ها و عوامل اصلی اداره زورخانه است. مرشد، گرداننده و هدایت کننده ورزشکاران و باستانی کاران است. معنی لغوی مرشد، ما را به این دلالت می کند که این واژه نیز از سنت های درویشی وام گرفته و به حوزه ورزش باستانی وارد شده است. تا دوران قاجار، عنوان مرشد در زورخانه ها مرسوم نبود و به جای آن از عنوان کهنه سوار، که از زمان های بسیار کهن تر رواج داشت، استفاده می شد. بر اساس شواهد در دوران پیش از قاجار، دو نفر مشترکاً در سردم حضور پیدا می کردند؛ یکی از این دو نفر کهنه سوار بود و دیگری مرشد (مطرب) نام داشت. مرشدان بیشتر به اعتبار هنرشان و برای به اشتیاق درآوردن ورزشکاران به سردم ورود پیدا می کردند (ر.ک: آقایاری، ۱۳۹۶: ۲۳۳-۲۳۶).

مرشد مقام رفیعی در زورخانه دارد که هم رهبری می کند و هم نظم دهنده است. او در یک لحظه می داند برای ورود یک پهلوان و یا یک غریبه چگونه عمل کند. او جایگاهی مشخص دارد و هیچ کس نمی تواند در جایش بنشیند حتی اگر قبله عالم باشد. مرشد برای هر پیش کسوتی، یک نوع آیین را اجرا می کند و از ورود یک پیش کسوت، همه را مطلع می کند.

مرشد با بسم الله آغاز می کند، از عدل علی می گوید و در واقع، به مانند یک رهبر سمفونی، یک کارگردان و یک معلم برای ایجاد انگیزه در روح و روان جمع زورخانه ای ها و باستانی کاران ایفای نقش می کند. مرشد،

ضرب دارد تا با هر ضربه و هر ریتم آن، یک معنی را به همراه آورد تا زوایای پنهان زورخانه را به رخ بکشد. مرشدها زمانی که از ایران زمین، از رستم، سهراب و سیاوش سخن می‌گویند موجب ارتقای سلامت جسمانی هستند و هم درس اخلاق و رفتار اجتماعی را آموزش می‌دهند (هاشمی، ۱۳۹۵: ۳۷-۳۴).

بیشه ایجاد ربّ العالمین یک شیر داشت از برای دشمنان مصطفی شمشیر داشت

o

o

مادر گیتی نزاید در جهان مثل علی(ع) آسمان گویا که در ترکش همین یک تیر داشت

o

o

(قمی، رک: جلالی: ۲۵)

o

o

پ. زنگ

استفاده از زنگ به عنوان ساز مکمل ضرب، چنان بر غنای موسیقایی زورخانه می‌افزاید که ورزشکاران را شیفته و علاقه‌مند به ورزش زورخانه‌ای می‌کند. همچنین مرشد از زنگ نیز برای اعلام تغییر حرکات ورزشی و اطلاع ورزشکاران استفاده می‌کند. هر تغییر حرکت و آهنگ ورزش، با علامت دست میاندار، به مرشد تفهیم شده و مرشد برای اطلاع ورزشکاران، این تغییر آهنگ ورزش را با به صدا در آوردن زنگ، به همگان اعلام می‌کند. علاوه بر این، زنگ از ابزار امتیاز ورزشکاران زورخانه محسوب می‌شود.

سنت زنگ نیز مانند بستن سردم، از آداب درویش است. در منابع مربوط به طریقت‌های فقری آمده است که زنگ بر کمر بستن از سنت‌های بسیار کهن قلندران است و آن را زنگ حیدری می‌نامند. زنگ بر کمر بستن درویش با دو نیت قابل تفسیر است: جلب توجه و نشانه کمال و یگانگی و اظهار و ادّعی بی‌مثل و ماندی کردن. این سنت، از طریق آیین‌های درویشی به سنت‌های اجتماعی مردم راه یافت و در بازارها معمول بود و برای شخصیت‌های ممتاز و به خصوص برای پهلوانان بر زنگ می‌کوفتند (آقایی، ۱۳۹۶: ۱۳۳). زنگ، نشانه پهلوانی و عیاری و باورهای عامه مردم است، در قدیم، پهلوانان بزرگ بر کمر خود زنگ می‌بستند. بستن بازوبندبا زنگی کوچک، به نشانه پهلوانی از زمان قاجار مرسوم گردید. در زورخانه‌ها زنگ را بر جلو سردم آویزان می‌کردند و هنگام ورود و خروج پهلوان نامدار، آن را به صدا در می‌آوردند، به این پهلوان، صاحب زنگ یا زنگی می‌گفتند (رک: عباسی، ۱۳۷۴: ۱۲۷-۱۲۵).

ت. ضرب

ضرب مرشد در زورخانه‌ها، تنها در این مکان هویت و معنا می‌یابد. مرشد با نواختن ضرب، سخن می‌گوید؛ مانند نقش یک شیپور در میدان جنگ. ضرب مرشد سابقه‌ای کهن دارد. ضرب، بازتابنده رزم و مفاهیم حماسه‌ای شاهنامه‌ای و عناصر پهلوانی، عیاری و باورهای عامه مردم است. ضرب مرشد در واقع صدای قلب زورخانه

است. صدای مرشد، پیام ضرب مرشد، به معنای جریان یک نوع انرژی، قدرت و روح اخلاق‌مداری است که هر جامعه‌ای نیاز دارد.

به این ترتیب، ضرب و زنگ، مهم‌ترین ابزارهای موسیقایی مهم زورخانه هستند که با به صدا درآوردن آن‌ها ورزشکاران تهییج می‌شوند و مفاهیم سلحشوری و جنگاوری و فرهنگ ادبیات عامه بسط و گسترش می‌یابد.

۴. نتایج و یافته‌های تحقیق

آن چه به مثابه مفاهیم ورزش باستانی و زورخانه‌ای شناخته می‌شود با فرهنگ و ادبیات عامه، پهلوانی و عیاری در پیوند است. سروده‌های پهلوانی و آیینی و هنرنقالی در زورخانه‌ها، از سروده‌های حماسی، پهلوانی، عیاری و تهییج‌کننده عامه مردم آکنده است؛ سازها و ابزارهای موسیقایی از جمله ضرب زورخانه‌ای و زنگ، با هدف شورانگیزی فضای ورزش زورخانه‌ای و غنای مفاهیم پهلوانی و جوانمردی و پایداری در برابر ابلیس و تباهی به کار می‌رود؛ ابزارها و ساز و برگ‌های ورزش زورخانه‌ای مانند تخته شنو، میل، کباده و سنگ، به ترتیب نماد شمشیر، گرز، تیر و کمان و سپر است، یعنی ابزارهای رزمی که در فرهنگ و ادبیات عامه و عیاری و مبارزه در برابر سیاهی، ریشه دارد؛ جای‌ها و مکان‌های ورزش زورخانه‌ای، از جمله «سردم» مرشدان به عنوان بالاترین و مقدس‌ترین جایگاه زورخانه، «گود» به مثابه اصلی‌ترین مکان زورخانه و «سقف» زورخانه در پیوند با مفاهیم آیین مهری و هستی‌شناسی، دارای عناصری نمادین مربوط به مفاهیم پهلوانی و عیاری و فرهنگ و ادبیات عامه مردمی است. حرکت‌ها و تمرین‌های ورزشی مانند شنو رفتن که به مثابه غواصی در دریای معرفت الهی است، نشان از رسیدن به ذات معنوی انسان و مفاهیم فرهنگ و ادبیات عامه، پهلوانی و عیاری می‌باشد. در هنگام میل و کباده زدن ورزشکار زورخانه‌ای، مرشد، اشعاری حماسی، تعلیمی، مذهبی، عارفانه و عاشقانه می‌خواند، اشعاری که درس پرهیزگاری، انسان دوستی، جوانمردی و وفاداری را به انسان می‌آموزد و یا در وصف بزرگان دین و ستایش امامان و بزرگان دینی و شهیدان راه دین، شعرهایی می‌خواند که نماد پاکی و درستی و صداقت شناخته می‌شوند. این نوع سروده‌ها، آکنده از عشق به وطن و ایثار و فداکاری و سلحشوری و انسان دوستی و آزادی خواهی و دفاع از مرز و بوم است.

کتابنامه

آقیاری، خسرو. (۱۳۹۶). آیین پهلوانی و سنت زورخانه‌ای، چاپ اول، تهران: سپیدار.

اژدری خواه، سید فخرالدین. (۱۳۹۷). دو میراث جاودان-زورخانه و نمایش پهلوانی، چاپ اول، تهران: بی جا.

انصاف‌پور، غلامرضا. (۱۳۵۳). تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه‌رو، تهران: وزارت فرهنگ و

هنر، مرکز مردم‌شناسی ایران.

- باصولی، مهدی. (۱۴۰۰). «نگاه منظرین به زورخانه، دلایل ایجاد و کارکردهای آن»، نشریه علمی باغ نظر، سال هجدهم، شماره ۹۴. صص ۹۱-۱۰۰.
- پرتو بیضایی کاشانی، حسین. (۱۳۸۲). *تاریخ ورزش باستانی ایران زورخانه*، چاپ اول، تهران: موسسه گسترش فرهنگ و مطالعات.
- جعفرپور، میلاد؛ علوی مقدم، مهیار. (۱۳۹۲). «مضمون عیاری و جوانمردی و آموزه‌های تعلیمی - القایی آن در حماسه‌های مشهور»، *متن‌شناسی ادب فارسی*، پاییز، سال پنجم، شماره ۱۹، دانشگاه اصفهان. صص ۳۶-۱۳.
- جلالی، خسرو (بی تا)، ۱۳، گردآورنده
- جوادیان، سیدحمید؛ مشکانی، علی اکبر. (۱۳۹۴). «نقش عبدالرزاق و آیین پهلوانی در ظلم ستیزی و پیروزی نهضت سرداران»، *نامه پارسی و آزادگی*، به کوشش مهیار علوی مقدم - علی صادقی منش، دانشگاه حکیم سبزواری. صص ۵۴-۴۲.
- حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد. (بی تا). *دیوان*، به اهتمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی، تهران: زوآر.
- حیدری، علی؛ دولت‌شاه، ناصر. (۱۳۹۱). «جلوه‌های تصوف، فتوت و مذهب تشیع در ورزش باستانی و زورخانه‌های ایران»، *دو فصلنامه‌ی پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی*، سال دوم، شماره ۴. صص ۷۲-۵۷.
- ذوالفقاری، حسن؛ باقری، بهادر. (۱۳۹۲). «مهم‌ترین ویژگی‌های افسانه‌های پهلوانی ایرانی به بررسی انواع افسانه‌ها و توضیح در مورد افسانه‌های پهلوانی»، *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، تابستان، سال شانزدهم، شماره ۳۰. صص ۳۹-۷.
- رمضان نژاد، رحیم و دیگران (۱۳۸۵). «مقایسه صفات اصلی پهلوانی در شاهنامه»، *فصل‌نامه‌ی المپیک، زمستان*، چاپ چهاردهم، شماره ۳۶. صص ۹۰-۸۳.
- صادقی منش، علی؛ علوی مقدم، مهیار. (۱۳۹۸). «تحلیل کارکرد نمادین غار در کیش مترائیسیم بر بنیاد دیدگاه‌های میرچا الیاده»، *الهیات تطبیقی*، پاییز و زمستان، سال دهم، شماره ۲۲. صص ۱۴۶-۱۳۳.
- عباسی، مهدی. (۱۳۷۴). *تاریخ کشتی ایران*، چاپ اول، تهران: فردوس.
- فتحی، کوروش. (۱۴۰۰). «ادب پهلوانی و کاربرد آن در آموزش تاریخ (بررسی موردی سه متن ادب پهلوانی)»، *نشریه‌ی پویا در آموزش علوم انسانی*، بهار، سال ششم، شماره ۲۲، دانشگاه فرهنگیان. صص ۷۵-۶۳.
- قائمی، فرزاد. (۱۳۹۲). «تاثیر سرودهای پهلوانی در شکل‌گیری داستان‌های حماسی فارسی»، *پژوهشنامه ادب حماسی*، بهار و تابستان، شماره ۱۵، سال نهم. صص ۴۷-۳۱.
- قائمی، فرزاد. (۱۳۹۳). «تحلیل سیر تاریخی سراینده - راویان و نقش سنت روایت شفاهی در روند نظم روایات پهلوانی در ایران»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، سال ۱۲، شماره ۱ سی و یکم. صص ۹۲-۷۰.
- کربن، هانری (۱۳۸۸). *آیین جوانمردی*، ترجمه احسان نراقی، تهران: سخن.
- گودرزی، محمود. (۱۳۸۳). «سیر تطور ورزش باستانی و زورخانه در ایران»، *مجله‌ی حرکت*، زمستان، شماره ۲۲. صص ۱۱۲-۹۱.

نجفی تهرانی، فرامرز؛ حجازی، اسدالله. (۱۳۸۷). ریتم‌های ورزشی، چاپ اول، تهران: پارت.
 هاشمی، سیدمحسن؛ هاشمی، سیدساسان. (۱۳۹۵). زورخانه نماد ایران زمین، چاپ اول، تهران: ستایش هستی.
 یاسینی، سیده‌راضیه. (۱۳۹۴). «کارکردهای تربیتی و فرهنگی آیین‌های زورخانه»، مجله تربیت اسلامی، بهار و تابستان، شماره ۲۲، سال یازدهم. صص ۱۵۰-۱۳۱.

A Reflection of popular, heroic and chivalry culture and literature, in the elements and concepts of ancient and Zorkhaneh sports

Abstract

The aim of this research is to study of reflection the elements of popular, heroic and chivalry culture and literature, in Iran's traditional and ancient sports. Zorkhaneh has been the place of warriors, heroes and sportsmen who tried to cultivate their soul and body for spiritual goals, and this place has sometimes been the place to express the problems and disorders of the society and solve people's problems. The Zorkhaneh school of chivalry has been a great example of popular literature and a place to promote morals and lead people to noble and heroic actions by promoting religious and Iranian culture, which was promoted by the mentors by reading epic, didactic and religious poems. Development and preparation of the body, apart from materialistic battles, for non-material confrontations and fighting against the sensual devil, are among the goals of this sport and heroic character. For this reason, the influence of popular, heroic and chivalry culture and literature in the sport of zorkhaneh from the distant past can be seen, and by examining the components of this culture and literature, we find out its influence on the ancient sport of zorkhaneh. These components in connection with popular, heroic and chivalry culture and literature are: heroic and ritual songs, music and musical instruments, instruments and tools, religious Shiee concepts, sports movements and exercises and place. Zorkhaneh architectural structures.

Key words: popular culture and literature, Zorkhaneh sports, heroic, chivalry.